

# الگوهای روابط اجتماعی کودکان و نوجوانان

ترجمه و توضیح: دکتر افروز - مریم قربان خانی

منبع: کتاب FRIENDSHIP IN CHILDHOOD  
AND ADOLESCENCE



فردی او خواهد بود. هر اندازه شخصیت  
کودکی از نظر کودک دیگر به طور بالقوه جذاب  
و سازگار باشد، برای برقراری رابطه، انتظار این  
است که این خصیصه‌ها فعلیت پیدا کند. باید

اگر از برداشت‌های ساده‌ای که برپایه ظاهر  
فیزیکی (جسمانی) می‌باشد، صرف نظر کنیم،  
رفتارهای فردی و اجتماعی کودک اصلی‌ترین  
معیار برداشت ما از شخصیت و ارزش‌های

باشد. در مورد سازگاری‌های اجتماعی بعدی، به نظر می‌رسد که داشتن یک دوست خوب از صرف محبوبیت، ارزشمندتر و مهم‌تر باشد. کودکی که فاقد یک دوست باشد، کودکی منزوی و طرد شده اجتماعی قلمداد می‌گردد و دو برابر بیش از سایرین در دوره نوجوانی در معرض آسیب‌پذیری‌های اجتماعی همچون بزهکاری و مشکلات متعدد دیگر قرار می‌گیرد. گرچه بیش‌تر تحقیقات درباره روابط بین کنش‌های متقابل اجتماعی و پایگاه اجتماعی صرفاً برای به اثبات رساندن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در الگوهای رفتاری میان بچه‌های محبوب، صورت گرفته است، برخی محققان برای روشن شدن این مسئله که آیا "رفتارها" علت اصلی محبوبیت می‌باشد یا نتیجه قهری آن، تلاش بسیاری مبذول داشته‌اند. این طور به نظر می‌رسد که شاید رفتارها اندکی از هر دو (علت - معلول) باشند. شیوه‌های ابتدایی رفتارهای متقابل بچه‌هایی که مورد خطاب دوستی قرار نگرفته‌اند، از پایگاه‌های اجتماعی بعدی آنان قابل پیش‌بینی می‌باشد. بچه‌هایی که نسبت به همسالان خود رفتارهای مثبت و حمایتی را پیشه می‌کنند، به احتمال قوی از ستارگان و رهبران اجتماعی آینده خواهند بود. هنگام تشکیل گروه‌های اجتماعی، این قبیل بچه‌ها، رشد اجتماعی بیش‌تری نشان می‌دهند. حضور این گونه بچه‌ها در گروه‌هایی که شامل افراد ورزیده و ماهر در روابط اجتماعی خویش می‌باشند، امکان دستیابی به واکنش‌هایی را که آنان را قادر به تقویت مهارت‌های خود می‌کنند، بیش‌تر می‌کند. در حالی که بچه‌های منزوی و طرد شده به احتمال بسیار زیاد، برای کسب محبوبیت

توجه داشت که نشانه‌های رفتاری صرفاً در مراحل اولیه برقراری یک رابطه مورد نظر نیستند، بلکه همواره در تمامی مراحل ارتباطات مورد توجه می‌باشند. رفتارهای متفاوت و مهارت‌های گوناگون می‌توانند در مراحل مختلف یک رابطه اهمیت بسزایی داشته باشند. هر قدر که مقاصد، نیات و نگرش‌های یک کودک نسبت به کودک دیگر مثبت باشد، اگر این دیدگاه‌ها به دیگری منتقل نشود یا نشانه‌ای از این برداشت‌های مثبت در روابط ایشان به چشم نخورد، به احتمال زیاد سوء تعبیرات و مشکلاتی را در ادامه رابطه در پی خواهد داشت.

از جنبه مثبت این قضیه می‌توان گفت که درک پایه‌های تقابلی روابط میان کودکان همسال نیز معانی ضمنی (کاربردهای) مهمی برای امکان آموزش مهارت‌های اجتماعی به منظور کمک به کودکان منزوی در برخواهد داشت. در این مقاله برخی از الگوهای اولیه رفتاری که موجب بروز کنش‌های متقابل فوق میان همسالان می‌شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### محبوبیت و دوستی

بسیاری از مطالعات و تحقیقات انجام شده درباره روابط بچه‌های همسال بیانگر این حقیقت است که آن چه موجب محبوبیت بچه‌ها می‌شود، الزاماً همانند آن چیزی نیست که از آنان دوستان خوبی نیز پدید می‌آورد<sup>۱</sup> (باکوسکی و همکاران، ۱۹۹۶). به سخن دیگر ممکن است کودکی که تقریباً محبوب همگان می‌باشد، فاقد ویژگی لازم برای کسب عنوان "بهترین دوست" توسط کودک دیگر

این ارتباطات هم در ایجاد یک رابطه مؤثر و هم در تنظیم و استمرار رابطه و میزان صمیمیت نقش بسزایی دارند.

به نظر می‌رسد افرادی که از مهارت‌های بیش‌تری در ارتباط برخوردارند، در برقراری روابط با همسالان خویش نیز موفق‌ترند.

ارتباطات غیرکلامی، به‌خصوص در انتقال اطلاعات عاطفی و احساسی در روابط اجتماعی، می‌تواند اهمیت بسزایی داشته باشد. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که ارتباطات غیرکلامی، سطوح درگیری و صمیمیت در روابط کودکان همسال را منعکس کرده، بر آن تأثیر می‌گذارد.

جلوه‌های رفتار خصمانه غیرکلامی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در طرد یک فرد (دوست) داشته باشد. البته باید توجه داشت که ارتباطات غیرکلامی، دلالت بر حساسیت و قابلیت رمزگردانی و رمزگشایی چنین پیام‌هایی دارد. در

درگیر یک سلسله روابط ناکام و ناموفق می‌شوند یا مجبور به ترک گروه موفق، عقب‌نشینی و جذب به سوی گروه‌هایی که شامل بچه‌های طرد شده مشابه می‌باشند، می‌گردند. به عبارت دیگر بچه‌هایی که می‌توانند با عضویت در گروه‌های همسالی که دارای مهارت‌های اجتماعی بسیار زیادی‌اند بیش‌ترین بهره را ببرند، کم‌ترین احتمال برای پذیرفته شدن آن‌ها در این گروه‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد بچه‌های محبوب و غیرمحبوب، گروه‌های تعاملی متمایزی را تشکیل می‌دهند که به وضوح در الگو و کیفیت کنش‌های متقابل خود تفاوت دارند.

الگوهای ارتباطی و کنش‌های متقابل در فرایند یک کنش متقابل، ارتباطات کلامی و غیرکلامی می‌تواند در نحوه برقراری یک رابطه موفق نقش مهمی بر عهده داشته باشند.



اجتماعی آنان (که بیش از چند دقیقه به طول می‌انجامد) گردد. والدین می‌توانند با فراهم کردن فرصت‌های اجتماعی فراوان، در اختیار گذاشتن اسباب‌بازی‌ها و وسایلی که موجب ترغیب بروز کنش‌های متقابل در بین کودکان می‌شود، نقش بسزایی در رشد و تحول اجتماعی فرزند خود ایفا کنند.

## ۲ تا ۵ سالگی

در طول دوران کودکی به تدریج کنش‌های متقابل کودکان با والدین کم‌تر شده، کنش‌های متقابل با همسالان افزایش می‌یابد. بازی‌های بچه‌ها به طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر و انتخابی‌تر می‌شود و آن‌ها آماده برقراری روابط نزدیک با همسالان و دوستی‌های حقیقی‌تر می‌گردند. بیش از نیمی از تمامی بچه‌های پیش دبستانی، دوستی‌های متقابل و نسبتاً پایداری را برقرار می‌نمایند. تا سن ۴ سالگی، بچه‌ها مفهوم "بهترین دوست" را درک کرده، از این واژه برای انتخاب اعضای گروه همسال خود استفاده می‌کنند.

بچه‌های ماهر در روابط با همسالان خویش تلاش می‌کنند تا توسط آن‌ها درک شوند و به نیازهای دوستان خود نیز به شیوه‌ای متناسب با قواعد ارتباطی پاسخ دهند. عموماً دوستان از کنش‌های متنوعی در ارتباطات خود بهره می‌گیرند و در روابط خود از موضوعات تخیلی و خیال‌پردازانه بیش‌تری صحبت کرده، فعالیت‌های خوشایندی را انجام می‌دهند، در حالی که در ارتباط با افراد غریبه این مهارت‌ها را کم‌تر بروز می‌دهند.

به طور کلی محبوبیت همسالان در این سن با تجلی جلوه‌هایی از رفتارهای مثبت و تقویت

نتیجه بچه‌هایی که دارای این قابلیت می‌باشند، از مزیت اجتماعی بیش‌تری نسبت به دیگر همسالان خود برخوردارند. آن‌ها قادرند پاسخ‌های مناسب‌تر و حساس‌تری به دیگران بدهند که آنان را محبوب‌تر و دوست داشتنی‌تر نشان دهد. عموماً بچه‌های بزرگ‌تر در برقراری ارتباط مهارت بیش‌تری دارند و این ویژگی در صمیمیت و استواری بیش‌تر آن‌ها در دوستی‌هایشان منعکس می‌شود. پس از مطالعات بسیار، طرح کلی الگوهای شاخص رفتاری که در موقعیت اجتماعی کودک مؤثر می‌باشد، ارائه شده است. این الگوها برحسب موقعیت سنی کودکان توصیف می‌گردد.

## اولین سال تولد

اهمیت کنش‌های متقابل و اولیه کودکان با همسالان در اولین سال تولد قابل توجه می‌باشد، گرچه بسیاری از بچه‌هایی که فاقد خواهر یا برادرند، نمی‌توانند چنین کنش‌های متقابلی را تا زمانی که وارد مهدکودک یا کودکستان نشده‌اند، تجربه نمایند. با فراهم شدن فرصت مقتضی برای بچه‌ها، میل و اشتیاق و تلاش آن‌ها در جهت اجتماعی شدن، در فرایند کنش‌های متقابل با همسالان از حدود ۶ ماهگی به چشم می‌خورد، گرچه کودکان در این سن بخش بیش‌تری از اوقات خود را صرف فعالیت‌های غیراجتماعی می‌نمایند تا رفتارهای اجتماعی. بچه‌های خردسال در این سن عموماً به یکدیگر نگاه می‌کنند، همدیگر را لمس می‌کنند، اعمال یکدیگر را تقلید می‌کنند، از خود صدا در می‌آورند و به یکدیگر لبخند می‌زنند، اما فاقد مهارت‌های اجتماعی‌یی می‌باشند که موجب تداوم زنجیره کنش متقابل

(۱۹۸۳)، شیوه‌های کنش‌های متقابل بچه‌های پیش‌دستانی در تابستان قبل از شروع مدرسه مورد ارزیابی قرار گرفت. موقعیت اجتماعی بعدی بچه‌ها هنگام آغاز مدرسه، با استفاده از گفت‌وگوهای کودک، به عنوان راهبردی برای ورود به گروه‌های اجتماعی، پیش‌بینی شد. این رابطه به‌خصوص در مورد بچه‌هایی که رفتار گروهی موجود را به طور صحیح تعبیر می‌کنند، آشکار است. بچه‌هایی که ورود آن‌ها به گروه همسالان برای فعالیت‌های مورد توجه و علاقه اعضای گروه، مخرب یا بازدارنده باشد، بعدها احتمال طردشدگی آن‌ها توسط هم‌مدرسه‌ای‌هایشان بسیار زیاد است.

#### سال‌های دبستان

روابط با همسالان برای بچه‌ها در طول سال‌های مدرسه به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد و الگوهای رفتاری آن‌ها در ارتباط با "دوستان" و غیردوستان به همین نسبت از یکدیگر متمایز می‌شود. توان و پیش‌رفت بچه‌های دبستانی در کسب مهارت‌های ارتباطی که بازتابی از توانمندی‌های شناختی-اجتماعی آن‌ها می‌باشد، موجب کاهش میزان رفتارهای پرخاشگرانه در آن‌ها گردیده، رفتارهای بین فردی مثبت و خوشایند از قبیل تعاون، سازش و مشارکت افزایش می‌یابد. این عوامل ارتباط تنگاتنگی با موقعیت اجتماعی و دوستی‌های بچه‌ها دارد.

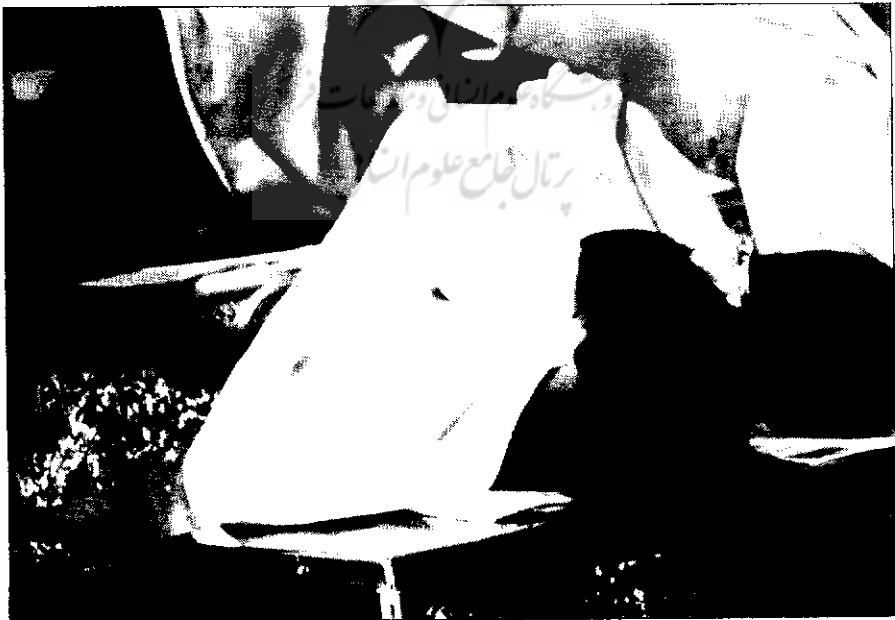
بچه‌های محبوب‌ترین پیش‌دستانی و دبستانی، حساسیت و استعداد فزاینده‌ای را در تلاش‌های خود برای آغاز کنش‌های متقابل با دیگران، نشان می‌دهند. ممکن است آن‌ها در ابتدا در اطراف یک گروه دوستی از پیش

کننده مانند هدیه دادن، دل‌سوزی کردن، توجه داشتن به دوست و پذیرش صمیمانه ارتباط دارد. در مقابل، رفتارهای ناپخته در روابط متقابل و بازی‌ها، رفتارهای منفی از قبیل پرخاشگری و عدم پذیرش دیگران با طردشدگی مرتبط می‌باشد. البته این مطلب بدان معنا نیست که میان دوستان هرگز اختلاف و تعارض وجود ندارد. بعضی از تحقیقات سطوح مشابهی از رفتارهای منفی در گروه‌های دو عضوی دوستی و گروه‌های دو عضوی غیردوستی را نشان داده‌اند، اما در مورد دوستان، این رفتارهای منفی با رفتارهای مثبت دیگر متعادل و متوازن می‌گردند. هم چنین ممکن است از توضیحات ذکر شده چنین برداشت شود که بچه‌های طرد شده لزوماً در خود فرورفتگان اجتماعی نیستند. در واقع، تحقیقات بسیاری بر اهمیت متمایز کردن بچه‌های طرد شده از بچه‌های در خود فرو رفته (اوتیست) تأکید کرده و خاطر نشان ساخته‌اند که بچه‌های طرد شده می‌توانند سطوحی از کنش‌های متقابل با همسالان خود را در سطحی برابر با هم‌تاهای محبوب‌ترشان ارائه دهند. تفاوت در ماهیت یا کیفیت کنش‌های متقابل آن‌ها و واکنش‌های بچه‌های دیگر نسبت به روابط اجتماعی آنان می‌باشد.<sup>۳</sup> ادراک بچه‌های پیش‌دستانی از رفتار پرخاشگرانه و رفتار مشارکت‌آمیز دیگران، در طی مدت چند هفته نسبتاً پایدار است و این مطلب در رفتار حقیقی و پایگاه اجتماعی آنان منعکس می‌گردد. الگوهای رفتاری کودکان در روابط متقابل، مقام اجتماعی آن‌ها را در هنگام ورود به مدرسه پیش‌بینی می‌کند. در طی یک سلسله تحقیقات و آزمایش‌های انجام شده توسط پوتالاز<sup>۴</sup>

قواعد بازی‌ها سرپیچی می‌کنند یا حتی سعی دارند که بازی در حال انجام را تغییر دهند. چنین تلاش‌هایی برای ورود به جمع، برای بچه‌های دیگر ناخوشایند می‌باشد و به احتمال زیاد منجر به طرد شدن یا نادیده گرفته شدن کودک می‌گردد و اگر در این جمع نیز پذیرفته شوند، عموماً به کنش‌های متقابل ناخوشایند و اختلاف منجر می‌گردد. در مورد بچه‌های طرد شده، حتی ممکن است پرخاشگری‌های فیزیکی آشکاری نیز به چشم بخورد، در حالی که بچه‌های محبوب از پرخاشگری خودداری می‌کنند. مستأسفانه بسیاری از بچه‌های غیرمحبوب، راهبردهای انتخابی نسبتاً اندکی پیش رو دارند. آن‌ها قادر به درک علت یا قاعده زیرینایی‌ای که منجر به طرد شدن آن‌ها می‌شود، نیستند و در نتیجه در خلق راهبردهای دیگر برای آغاز تماس و ارتباط مؤثر با همسالان خویش، ضعیف و ناتوان می‌باشند

استقرار یافته، پرسه بزنند، یا در کنار آن‌ها بازی کنند و نظریات حمایتی یا پیش‌نهادهای سازنده‌ای راجع به فعالیت‌های در حال جریان آن گروه، ابراز نمایند. گفت‌وگوهای بیش‌تر دو طرفه (متقابل)، پیچیده و عموماً با تن صدا و آهنگی مثبت صورت می‌گیرد (هارتاپ،<sup>۵</sup> ۱۹۹۷). اگرچه بچه‌هایی که از محبوبیت کم‌تری برخوردارند و طرد شده می‌باشند، اغلب به همان میزان هم‌تاهای محبوب خود برای کنش‌های متقابل اجتماعی تلاش می‌کنند، اما عموماً این تلاش‌ها از مدیریت و کنترل ضعیف‌تری برخوردارند و اغلب موجب بروز رفتارهای اجتماعی نامناسب‌تر می‌شوند.<sup>۶</sup>

بچه‌های فراموش شده، یعنی بچه‌هایی که مورد بی‌توجهی همسالان واقع شده‌اند و بچه‌هایی که از طرف دوستان طرد شده‌اند، ممکن است خودمحور، خود رأی، متکبر و شاید ریاست طلب به نظر آیند. آن‌ها معمولاً از



موضوع ساده متضاد مطرح باشد. در سنین نوجوانی این تضادها به عنوان موضوعات کاملاً مستقل و جدا از یکدیگر تلقی می‌گردد. هم‌چنان‌که این بچه‌ها به‌طور فزاینده‌ای قادر به تحمل و پذیرش تعارض‌های موجود می‌شوند، این‌گونه تصور نمی‌کنند که وجود این تعارض‌ها لزوماً می‌بایست منجر به انحلال و از هم پاشیدگی یک رابطه شوند (گاتمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹). با بالا رفتن سن، راهبردهای پیچیده‌تر، به‌طور فزاینده‌ای قادر به کنترل و دفع تعارض‌های موجود در روابط می‌گردند.

**تفاوت‌های جنسی در الگوهای ارتباطی**  
با وجود این که دامنه جداسازی جنسیت در روابط کودکان متفاوت می‌باشد، اما این امر از لحاظ فرهنگی یک پدیده همگانی تلقی شده است (وایتینگ و ادواردز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸). دلایل مفروض برای این جدایی، تفاوت‌های کیفی در الگوهای ارتباطی ذکر شده‌اند. پیش از آن که بچه‌ها شروع به فراگیری تصورات قالبی از جنسیت کنند و تمایل به همسالان همجنس، اسباب‌بازی‌ها و بازی‌های خاص از خود نشان دهند، تنها به درک اولیه از ماهیت جنس نیاز دارند. دخترها تقریباً از ۲ سالگی شروع به بروز تمایل اجتماعی برای نزدیک شدن به دخترهای دیگر می‌کنند. پسرها، مدت طولانی‌تری بی‌طرف باقی می‌مانند، اما تا سن ۳ سالگی آن‌ها نیز برای انتخاب هم‌بازی‌ها به همجنسان خود تمایل نشان می‌دهند. دختر بچه‌ها به‌طور فزاینده‌ای، یک سبک رفتاری نسبتاً آرام، اجتماعی و تعاونی در بازی‌ها و کنش‌های متقابل اجتماعی خود ارائه می‌دهند.  
پسر بچه‌ها بیشتر احتمال می‌رود با یک

(استوارت و رابین<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵). در مجموع، سال‌های اولیه دبستان پیوستگی قابل ملاحظه‌ای را با الگوهای انطباقی آشکار در بچه‌های پیش‌دبستانی نشان می‌دهد.

### کنترل تعارض

آن چه غالباً در ارتباط با روابط بچه‌های همسال مطرح می‌شود، طرح این مسئله است که پرخاشگری علت اصلی طردشدگی اجتماعی در بسیاری از بچه‌هاست. در مطالعات ویژه‌ای که توسط شاتنز<sup>۸</sup> (۱۹۸۶) انجام گرفت، وی با استفاده از روش‌های آماری، پرخاشگری و تعارض را در روابط بین همسالان به عنوان دو عامل جدا و مستقل از یکدیگر مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعارض، میزان هم‌بستگی بالاتری را با طردشدگی اجتماعی کودکان دارد تا پرخاشگری فیزیکی ساده. فراگیری روش‌های چگونگی مهار تعارض‌ها در روابط بین فردی از وظایف اصلی دوران کودکی می‌باشد و روابط باز، صمیمی و صادقانه موجود در میان کودکان همسال، زمینه آموزشی مهمی به شمار می‌آید. دوستان دید انتقادی شدیدتری نسبت به یکدیگر دارند تا بچه‌هایی که با هم رابطه دوستی ندارند، به‌خصوص هر چه بزرگ‌تر می‌شوند، بیش‌تر تمایل دارند که درباره ریشه‌های اختلافات خود به‌طور سازنده به گفت‌وگو بپردازند. کودک، هنر داد و ستد، سازش و بر طرف کردن تعارض‌ها را فرا می‌گیرد، و این‌ها، عوامل بسیار مهمی در تعیین جایگاه و موقعیت اجتماعی بچه‌های بزرگ‌تر به شمار می‌آیند. در حالی که شاید از نظر بچه‌های ۷ تا ۱۰ ساله حمایت و تعارض به عنوان دو



کاملاً متفاوتی از بازی‌ها و مهارت‌های عمومی و کنش‌های متقابل اجتماعی خود را رشد و گسترش دهند (برازا<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). این امر نیز کنش‌های متقابل میان دو جنس را به طور فزاینده‌ای مشکل می‌سازد.

تا سن ۵ سالگی، پسرها تمایل شدیدتری به هم جنس‌های خود نشان می‌دهند تا دخترها و در اواسط دوران کودکی، جداسازی در روابط بچه‌های همسال تقریباً به‌طور کامل صورت می‌گیرد. شاید بسیاری از فعالیت‌های گروهی نیز در اواسط دوران کودکی تحت جداسازی جنسی قرار گیرند. در این سن به احتمال زیاد، تماس با جنس مخالف از نظر پسرها تمسخرآمیز بوده، به شدت از آن اجتناب می‌کنند.<sup>۱۳</sup> روابط همسالان دخترها و پسرها اکنون بسیار متفاوت به نظر می‌آیند و به ترتیب فشرده و گسترده نام‌گذاری شده‌اند. روابط فشرده دخترها احتمالاً معطوف به یک فرد به عنوان "بهترین دوست" می‌گردد و با گفت‌وگوهای دوستانه و صمیمانه و صحبت راجع به دانسته‌های شخصی از درگیری‌های عاطفی (هیجانی)، مشخص می‌شوند. در مقابل، روابط پسرها به علت گرایش آن‌ها به گذراندن اوقات خود با گروه‌های بزرگ‌تری از همسالان که ممکن است از لحاظ سنی نیز ناهمگن باشند و تمایل به تشکیل گروه برای انجام یک کار خاص، بازی یا هر فعالیت دیگری، روابط گسترده نامیده می‌شوند.

با توجه به توضیحات ذکر شده فوق درباره روابط دخترها و پسرها، تحقیقات برای پی بردن به هر دو موضوع روند تحول و تفاوت‌های جنسی در سطوح تعلق و صمیمیت در روابط بچه‌ها، نسبتاً هم‌آهنگ و منسجم می‌باشد. بنابر



سبک جسورانه و سرزنده در بازی‌های توأم با حرکات فیزیکی شرکت کنند (اسمیت و ایندر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۳). در مورد دختر بچه‌ها، کنش متقابل با پسرها عموماً حاشیه‌ای و به‌طور فزاینده‌ای ناخوشایند و بی‌ثمر می‌باشد و بنابراین از بروز کنش‌های متقابل جلوگیری می‌کنند. در هر دو جنس، البته بیش‌تر در مورد دخترها، تمایل به همسالان هم جنس خود بیش‌تر بوده، گرایش به کنش‌های متقابل اجتماعی جداسازی شده جنسی به چشم می‌خورد. این جداسازی اولیه در الگوی بازی‌های دخترها و پسرها، محیط راحت‌تری را در اختیارشان قرار می‌دهد تا بتوانند الگوهای





بسیاری از نوجوانان دوست می‌دارند که اعلام کنند بیش‌تر دوستان آن‌ها از هر دو جنس، یعنی دختر و پسر می‌باشند.<sup>۱۵</sup>

### تفاوت‌های جنسی در فرایند برقراری روابط و اجتماعی شدن

در هنگام تولد، تفاوت‌هایی در نحوه رفتار شیرخوارگان دختر و پسر وجود دارد که تفاوت‌های بعدی در الگوهای ارتباطی با دیگران را پی‌ریزی می‌کند. تقریباً از ۶ ماهگی، دخترها بیش‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و ترغیب می‌شوند در نزدیکی مادران خود بمانند و وابستگی، رفتارهای عاطفی و بیان هیجان‌ات و احساسات ظریف بیش‌تری در آن‌ها مشاهده می‌شود. در مقابل پسرها، بیش‌تر تشویق به شرکت در بازی‌های فعال‌تر و پرجنب و جوش‌تر می‌شوند و اغلب درگیر فعالیت‌های حرکتی دسته جمعی می‌باشند.

یافته‌های علمی گزارش شده، روابط میان مؤنث‌ها سطوح بالاتری از تعلق خاطر، صمیمیت، تشریک مساعی، اعتماد و وفاداری را به نمایش می‌گذارد (کلارک<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۳)، اگرچه تحقیقات صورت گرفته، گزارش‌های متفاوتی از میزان این تفاوت را ارائه داده‌اند. مطلبی که در بخش بعدی نیز بدان پرداخته خواهد شد، این است که شیوه و آداب اجتماعی شدن می‌تواند تأثیر آشکاری بر میزان (درجه) جداسازی جنسی در روابط کودکان داشته باشد. به‌طور منطقی میزان تعهدات و صمیمیت در روابط، نشان می‌دهد که آن روابط بدون در نظر گرفتن جنسیت افراد، شکل گرفته‌اند.

با وجود این که در دوران پیش از نوجوانی، از میزان جداسازی جنسی روابط کاسته می‌شود، با ظهور توجه و تمایل خاص نسبت به جنس مخالف در دوره نوجوانی، در این زمان

که تشکیل این گروه‌ها تقریباً برپایه ویژگی‌های نسبتاً ظاهری از قبیل جنسیت، بدون در نظر گرفتن فشارهای بزرگ‌ترها صورت می‌گیرد.

با شکل‌گیری گروه‌های متمایز همسالان بر اساس جنسیت آن‌ها، تمامی اثرات مربوط به پویایی گروه مطرح می‌شود و تمایلی برای به حداقل رساندن تفاوت‌های میان فردی در درون گروه و به حداکثر رساندن تفاوت‌های میان فردی در افراد و گروه‌های مختلف به چشم می‌خورد. ویژگی‌های نامرتبط به این تمایزات اولیه نیز با همان تصور قالبی مقایسه شده و "دختر" و "پسر" به عنوان مخالفان سازش‌ناپذیر در دو گروه تصور می‌شوند. در مقایسه با افراد خارج از گروه، ویژگی‌های درون گروهی ارزشمندتر است و افراد درون گروه جذاب‌تر تلقی شده، برخوردی خاص با آن‌ها صورت می‌گیرد. افراد بیرون گروه (جنس مخالف) نسبتاً همگون تلقی شده، از نظر ویژگی فردی ارزش کم‌تری دارند و با آنان براساس عضویتشان در گروه رفتار می‌شود. وقایع در دنیای کودک ممکن است به صورتی تعبیر شوند که از این باورهای گروهی حمایت کرده، موجب تقویت تمایزهای میان گروهی گردند. هم چنین فشارهای بسیاری بر کودکان تحمیل می‌شود تا رفتارهای آن‌ها به نحوی در تأیید ضوابط و معیارهای گروه باشد. این فشارهای تحمیلی برای پیروی از گروه، با بالا رفتن سن تا سنین پیش نوجوانی افزایش می‌یابند و تخلف از این انتظارات موجود میان همسالان، موجب مورد تمسخر قرار گرفتن و کنار گذاشته شدن از فعالیت‌های گروهی و طردشدگی اجتماعی کودک، به خصوص پسرها می‌گردد. همان‌طور که بسیاری از والدین نیز

هم چنان که شیرخوارگان، کودکانی نوپا می‌شوند، والدین اغلب در پی یافتن هم‌بازی‌هایی هم‌جنس با کودکان خود می‌باشند و اسباب‌بازی‌هایی متناسب با جنسیت آن‌ها تهیه کرده، آنان را تشویق به شرکت در فعالیت‌های متناسب با جنسیتشان می‌کنند. در طول دوران کودکی، توجه خاصی توسط خانواده، همسالان، مدرسه و رسانه‌های گروهی نسبت به مقتضیات جنسی، علائق و رفتارهای بچه‌ها معطوف می‌گردد. در ادامه به کارگیری الگوهای اولیه، پسرها به استقلال و خودمختاری بیشتر تشویق می‌شوند و از آزادی بیشتری برای بازی با دوستان خود برخوردارند و مجازند که زمان بیشتری را بیرون از خانه و نظارت بزرگ‌ترها بگذرانند. اما دخترها، به احتمال زیاد، بیشتر اوقات فراغتشان را در خانه یا اطراف خانه و خانواده می‌گذرانند.

تشکیل گروه در میان بچه‌ها تقریباً یک بخش اجتناب‌ناپذیر از رشد و تحول آن‌ها به حساب می‌آید. در طول دوران کودکی، گروه‌های همسال از اهمیت بسزایی برای بچه‌ها برخوردار می‌شوند. این گروه‌ها به دنیای بچه‌ها معنی و مفهوم دیگری می‌دهند و به درک هویت شخصی آن‌ها کمک می‌کنند. هم چنین پاداش‌های اجتماعی خوشایندی برای بچه‌ها در نظر می‌گیرند و عموماً بخشی ضروری در فرایند اجتماعی شدن فرد به شمار می‌آیند. متأسفانه تشکیل چنین گروه‌هایی می‌تواند مستقیماً در بروز تفاوت‌های جنسی و جداسازی جنسی در روابط بچه‌ها نیز تأثیر داشته باشد. محدودیت‌های شناختی بچه‌ها، به خصوص بچه‌های کوچک‌تر، بدین معناست

محیط‌های سازمانی پیش دبستانی و مدرسه می‌توانند به بافت‌های قوی‌تر و غنی‌تری برای فراگیری درباره روابط، مبدل شوند.

### روابط میان جنسی

جداسازی جنسی در روابط بچه‌ها، در طول سال‌های دبیرستان به تدریج کاهش می‌یابد، گرچه نمونه‌هایی از روابط میان جنسی تقریباً در تمام سنین و موقعیت‌های اجتماعی خاص، به صورت افزایش یا کاهش در درجه جداسازی جنسی در کنش‌های متقابل بچه‌ها قابل مشاهده‌اند. به عنوان مثال: بیش‌تر احتمال دارد

دریافته‌اند، گروه‌های همسالان، حتی در مقابل قالب‌های رفتاری از پیش شکل گرفته و عوامل دیگری که سعی در کم اهمیت جلوه دادن تفاوت‌های جنسی در رفتار دارند، شکل دهندگان قدرتمندی برای بروز رفتارهای جنسی خاص در کودکان می‌باشند. این الگوهای کلی مجموعه نیروهای گروه، عبور از مرزهای موجود در گروه‌ها و رفتارهای خارج از تصور قالبی را برای بچه‌ها دشوار می‌سازد. این‌ها عوامل مهم در ایجاد تعصبات جنسی، تبعیض و جداسازی می‌باشند. پس چه چاره‌ای می‌توان اندیشید؟

### کاهش جداسازی جنسی

با وجود فشارهای وارد برای جداسازی جنسی در روابط کودکان، تحقیقات نشان داده‌اند که چنین جداسازی‌هایی می‌تواند آشکارا کاهش یابد. به عنوان مثال: اغلب به نظر می‌رسد که کودکان تا حدود زیادی نقش‌های جنسیتی را که در سال‌های اولیه زندگی کودک فرا گرفته می‌شوند، تقویت می‌کنند. در کودکان‌هایی که از نقش‌آموزی جنسیتی به طور آگاهانه اجتناب می‌شود، از جداسازی‌های جنسیتی در بازی‌های کودکان به‌طور چشمگیری کاسته می‌شود (BIANCHI & BAKERMAN, 1987). نقش اختصاصی مریبان نیز اهمیت بسزایی دارد. سرین<sup>۱۶</sup> و همکاران (۱۹۷۷) ثابت کردند که با تشویق و تقویت مناسب، مریبان می‌توانند میزان بازی‌های تعاونی میان جنسی را، از تقریباً ۵٪ ساعات روزانه کودک به ۳۰٪ افزایش دهند. تمامی شواهد موجود این واقعیت را تأیید می‌کند که با کمی تفکر و توجه بیش‌تر،



قالب این شخصیت کاملاً پذیرفته شده‌اند. اما دیدگاه‌ها در مورد پسرهایی که به‌طور کلی علائق و سبک رفتار زنانه از خود نشان می‌دهند، تا اندازه‌ای نامید کننده می‌باشد. آن‌ها در معرض خطر مورد تمسخر قرار گرفتن یا نادیده گرفته شدن هم از جانب دخترها و هم توسط پسرها قرار دارند. تجربه کنش‌های متقابل دوستان با همسالان از هر دو جنس می‌تواند هم برای دخترها و هم برای پسرها مفید و سودمند باشد.<sup>۱۹</sup> این کنش‌ها فرصت روبه رو شدن با دامنه وسیعی از سبک‌های رفتاری و فعالیت‌های متفاوت را فراهم می‌کنند و بروز تصورات قالبی (کلیشه‌ای) منفی از جنس مخالف را کاهش داده، فرصت‌های اجتماعی کودک را افزایش می‌دهند. درک بهتر و کسب مهارت در ایجاد ارتباط با جنس مخالف که از تجربیات بچه‌ها در کنش‌های متقابل میان جنسی حاصل می‌شوند، به احتمال قوی کودک را در موقعیت خوبی برای درک توانایی‌های خود برای برقراری روابط موفقیت‌آمیز در

که بچه‌ها در همسایگی منزلشان درگیر کنش‌های متقابل میان جنسی باشند تا در مدرسه. هم چنین در هنگام ورزش یا انجام فعالیت‌های خاصی که هر دو جنس در آن شرکت دارند یا در مکانی که عده کمی از همسالان شاهد تخلف از این مرز می‌باشند، امکان کنش‌های متقابل میان جنسی بیشتر است. روش‌های مدرن سازمان‌دهی کلاس‌ها که بر کنش‌های متقابل تعاونی در گروه‌های آموزشی کوچک و مختلط تأکید دارند، به کاهش تصورات کلیشه‌ای و افزایش یکپارچگی کمک می‌کنند.<sup>۱۷</sup> گرچه عده اندکی از بچه‌ها کاملاً از مرز دو جنس عبور کرده، برای خود شخصیت ویژه‌ای قائل می‌شوند و گاه بعضی از دخترها سعی می‌کنند با خصوصیات اخلاقی پسران به عنوان "آقا پسر" خود را ظاهر نمایند.<sup>۱۸</sup> این افراد (دخترها) اغلب در بازی‌های کاملاً ماجراجویانه شرکت می‌کنند، سر به سر گروه‌های پسرانه می‌گذارند و با آن‌ها دعوا و نزاع می‌کنند و به نظر می‌رسد که در



رنجش می شود و بنابراین می تواند موجب برانگیختن اضطراب و تشویق گردد، در عین حال که می تواند موجب حمایت و اطمینان آفرینی نیز بشود. چنین الگوهای کنش های متقابل، برخوردهای آرامش بخش لازم برای یک دوستی را ایجاد نمی کنند و مرزهای گروه های همجنس به آرامی از هم گسیخته می شوند، اما بنیانی که بر پایه آن می تواند روابط میان دو جنس نوجوان ساخته شود، پی ریزی شده است. با شروع سال های نوجوانی انتخاب کنش های متقابل و دوستی های میان جنسی واقع گرایانه می گردد و انتظارات تقابلی از طرف مقابل را شامل می شود.

#### پی نوشت ها:

۱- به سخن دیگر هر کودکی که به عنوان محبوب در مدرسه شناخته می شود لزوماً به عنوان بهترین دوست برای همه کودکان همسال خود تلقی نمی گردد. (م)

1- BUKOWSKI

۳- شایان ذکر است که از ویژگی های اصلی کودکان مبتلا به اوتیسم یا در خود مانده ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران است. (م)

4- POTALLAZ

5- HARTUP

۶- بچه هایی که محبوبیت لازم را ندارند و از نظر دیگر همسالان افرادی پرخاشگر و بی ادب تلقی می کردند بعضاً برای وارد شدن به گروه همسالان ممکن است کارهای ناخوشایندی را برای جلب توجه و اظهار وجود انجام دهند. (م)

7- STEWART AND RUBIN

8-SHANTZ

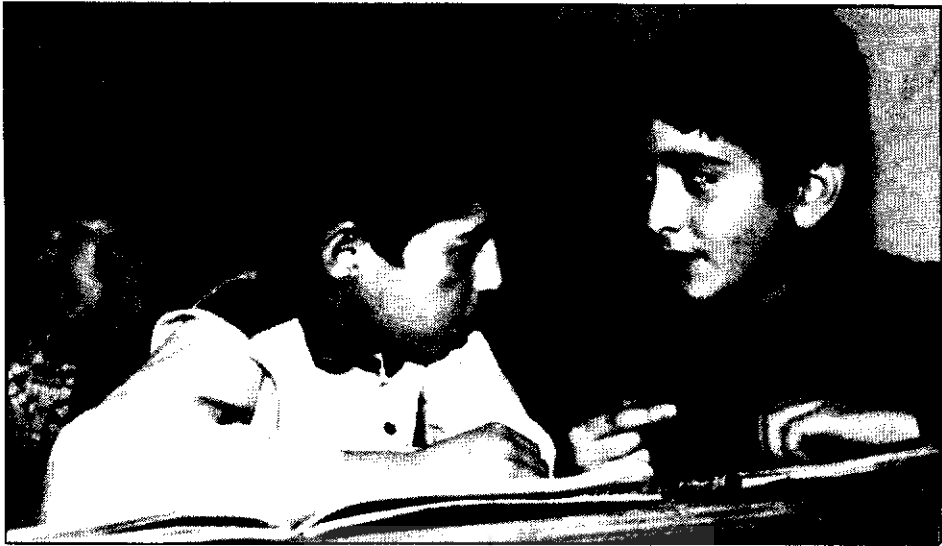
9- GATTMAN

10-WHITING AND EDWARDS

زندگی آینده او قرار خواهند داد. ۲۰

به علت وجود فشارهای بازدارنده کنش های متقابل میان جنسی در دوران کودکی، بچه ها یک سلسله مکانیزم های تشریفاتی از خود نشان می دهند تا آنان را قادر سازند بر تخطی های اجتناب ناپذیر از مرز که گاه به گاه اتفاق می افتد، فائق آیند. برخی کنش های متقابل میان دو جنس عمدی و آگاهانه بوده، به قصد محکم کردن مرزهای جنسی می باشند، از قبیل مسابقات، بازی های تعقیب و گریز یا حوادث متداولی مانند دخالت و هجوم پسرها در بازی های دختران. اما اگر دخترها به دنبال دست یابی به بازی های پسران باشند، بیش تر قصد پیوستن به بازی های آنان را دارند تا بر هم زدن آنها.

با وجود جداسازی جنسی، تصورات قالبی (کلیشه ای) کودکان از نقش جنسی شان، باعث ایجاد آگاهی آنها از یکدیگر به عنوان شرکای رماتیک بالقوه می شوند. در اواخر دوران کودکی، ممکن است بچه ها تمایل و کششی به سوی مخالف از خود نشان دهند، گرچه آنها لزوماً افراد مورد نظر نباشند. کنش های متقابل میان دو جنس نوعاً تصنعی می باشند و ممکن است صرفاً شامل اشارات غیر مستقیم یا سر به سر گذاشتن و پرسه زدن در اطراف یکدیگر باشند. علائق (توجهات) جنسی ممکن است در لفافه خنده، توهین و بی پروایی پوشانیده شوند. این امر شاید به این علت باشد که روابط اولیه میان دو جنس نسبتاً ناپایدار و زودگذر است. با این وجود، هنگام ورود به دبیرستان، عده ای از بچه ها شروع به پذیرش دوستی های میان جنسی می کنند و حتی ممکن است وجهه اجتماعی نیز در این مورد کسب کنند. بحث های گروهی به طور بالقوه موجب



که دوست دارند رفتار دخترانه از خود نشان دهند. (م)

۱۹- متأسفانه تجارب حاصل از چنین کنش‌های متقابل دوستانه بین نوجوانان دختر و پسر دبیرستانی حاکی از آن است که در بسیاری از موارد به لحاظ محدودیت در قدرت درک و استدلال و ناتوانی در کنترل تمایلات و بالطبع غالب شدن کشش‌ها و غرایز جنسی بر تفکر و اندیشه و مصلحت‌اندیشی، همه حریم‌ها و حرمت‌ها در این گونه روابط شکسته می‌شود و لجام گسیختگی جنسی و انحرافات اخلاقی و اختلالات رفتاری و کژروی‌های اجتماعی حاکم می‌گردد. گاهی امنیت عاطفی و روانی دخترها دچار آسیب و اختلال می‌شود. از همین رو در برخی از ایالت‌های آمریکا به پیش‌نهاد و اصرار جمعی از اولیا و مربیان، مدارس تک جنسی تأسیس و فعال شده است.

۲۰- البته همان‌طوری که اشاره شد به شرط نظارت مستمر و هدایت مداوم و برقراری روابط در حریم ارزش‌های اخلاقی و دور بودن از روابط گناه‌آلود.

11- SMITH AND INDER

12- BRAZA

۱۳- همه تحقیقات در گذشته و سال‌های اخیر بیانگر این حقیقت است که فطرتاً پسرها دوست دارند در سنین مدرسه با همسالان و الگوهای بزرگسال همجنس خود در ارتباط باشند و دخترها نیز به همین صورت. (م)

14- CLARK

۱۵- این موضوع در کشورهای غربی همچون آمریکا که اغلب دبیرستان‌های آن‌ها مختلط است و پسرها و دخترها در یک کلاس درس می‌خوانند پیش‌تر می‌تواند صدق داشته باشد تا در کشورهایی که ارتباطات دخترها و پسرها محدود می‌باشد. (م)

16-SERBIN

۱۷- وقتی که اغلب دبیرستان‌ها مختلط باشد، ناگزیر به تدریج شاهد برقراری روابط دوستانه و خاص بین دخترها و پسرها خواهیم بود. (م)

۱۸- به عبارت دیگر بعضی از نوجوانان با احساس ناخوشایندی از جنسیت خود از این‌که دختر خطاب شوند ناراحت‌اند و سعی می‌کنند رفتارهای پسرانه از خود نشان دهند. البته گاه در بین پسرها نیز این پدیده رخ می‌دهد. پسرهایی هستند